



قصص قرآنی

فریبا مؤید نیا

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی - خوی

مقدمه

شگرفشان، از دیرباز به عنوان یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تربیتی برای تبشیر و انذار انسان‌ها مطرح بوده و در مقوله ادبیات و داستان‌نویسی اسلامی، اگر نیک بنگریم و نقی به گذشته برنیم، همیشه ردپای آموزه‌های اخلاقی و حکمت‌های پندآموز را می‌بینیم. با این حال شاید آنچه بیش از هر حرف و حدیث و نقل و قولی بر بیش‌تر نویسندگان و شاعران اسلامی تأثیر داشته، نه فقط حکمت و اخلاق و عرفان، که سرچشمه این سه مهم، یعنی قرآن کریم بوده است، به‌طوری که با مطالعه و بررسی آثار بزرگانی چون حافظ، سعدی، نظامی و عطار ردپای حکمت اسلامی و بیش‌تر، قصص و اقوال قرآنی را یافته، درمی‌یابیم که این بزرگان باتوجه به تذکره بودن قرآن که ریشه در تذکر و تکرار پیاپی دارد، هرازگاه به فراخور نیاز نسل خویش، حکایتی را نقل کرده و با نگاهی نو، گوشه‌های پنهان آن را آشکار کرده و از دل قصه‌ای آشنا، مفهومی نو را بیرون کشیده‌اند؛ حکایاتی چون یوسف

قرآن کریم، کلام خدا و اصلی‌ترین و مهم‌ترین منبع شناخت اسلام و گرامی‌ترین اثر مکتوب در میان مسلمانان است و به همین دلیل پیشوایان معصوم و بزرگان دین اسلام همواره به آموزش این کتاب مقدس به همه مردم مسلمان، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، اهتمام فراوان داشته‌اند (حیدری ابهری، ۱۳۸۶، ص ۱۱)؛ هم‌چنان که رسول خدا، حضرت محمد (ص)، کسانی را که قرآن فرا گرفته، آن را به دیگران می‌آموزند، بهترین امت‌ها معرفی فرموده است (بحارالانوار، جلد ۹۲، ص ۱۸۶). امام علی (ع) آموختن قرآن به فرزندان را یکی از حقوق فرزندان بر پدر دانسته (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۹۹) و امام حسین (ع) نیز فرموده‌اند: «هرکس جوان باشد و قرآن بیاموزد، کلمات قرآن با خون و گوشت او آمیخته می‌گردد و هرگز از او جدا نمی‌شود» (سفینه البحار، باب شاب). از سوی دیگر، استفاده از داستان‌ها، به دلیل آثار تربیتی

و زلیخا، نوح و یسرا نث، صالح و قوش، ابراهیم و اسماعیل و... همه بارها و بارها، نه فقط به اشاره و تلمیح در قرآن، که به کنایه و تشبیه در آثار قدمای ادبیات ایران و نیز در ادبیات معاصر ما بازگو شده است.

باری، نویسندگان و شاعران بسیار در طول تاریخ مفاهیم قرآنی را در جای جای آیه‌های مختلف الهام گرفته و آن‌ها را چون نوری پنهان بر صحنه آثار خود تابانده‌اند. در این آثار مضامینی چون نبرد خیر و شر، نور و تاریکی، حسادت و رقابت، غضب و رحمانیت خداوند و... با ظرافت و هنرمندی دستمایه قرار گرفته است.

در قرآن، قصه‌ها نه تنها بر واقعیت تطبیق دارند، بلکه این وقایع، مهم‌ترین و حساس‌ترین وقایع تاریخ انسان‌ها می‌باشند، وقایعی که هر کدام کاروان آدمیان را به سو و جهتی خاص سوق داده، برای آن‌ها بیدارگر، زنده و روشنگر بوده و خواهند بود؛ چرا که قرآن از مجرای قصص خود بزرگ‌ترین لغزش‌ها و معمول‌ترین انحرافات بشری را به شیوه‌ای بی‌نظیر، زیبا و جذاب به نمایش گذارده است (شفیعی، ۱۳۸۷).

در همین مسیر به نظر می‌رسد مهم‌ترین آثار تربیتی استفاده از قصص قرآنی در فرایند آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان، موارد زیر باشند که در این نوشتار به شرح اجمالی هر یک از آن‌ها می‌پردازیم:

- پرورش ایمان مذهبی
- پرورش عقل و نیروی خردورزی و عبرت‌گیری از زندگی گذشتگان
- تقویت و پرورش حس زیبایی دوستی و زیبایی شناسی
- رشد اعتماد به نفس و پرورش روحیه شجاعت و ظلم ستیزی
- آمادگی برای دریافت پیام‌های اخلاقی و انسانی و پرورش اخلاق و عادات نیکو و پسندیده
- آرامش‌بخشی، رفع اضطراب و اختلالات روانی و رفتاری و تأمین بهداشت روانی
- پرورش روحیه پرسشگری و تقویت نیروی خلاقیت.

الف) پرورش ایمان مذهبی

قصه‌های قرآنی باحلاوت و تأثیرگذاری اعجاب انگیزشان، فطرت خداجوی پاک و معصوم کودکان را اقتناع کرده، از آن‌ها انسان‌های با ایمان و متقی می‌سازد. از سوی دیگر، صبر و توکل، آرامش و انبساط خاطر، اجتناب از معاصی، ایجاد اخلاق پسندیده و کرامات و فضائل دیگر نیز از آثار تربیتی همین ایمان مذهبی

و تقواست که تحت تأثیر تدبیر و تفکر در قصص قرآنی، در روح و روان کودک شکل می‌گیرند.

ب) پرورش عقل و عبرت‌گیری از زندگی گذشتگان

در قصص قرآن به عبرت‌آموزی از زندگی گذشتگان اشاره شده که هدف بخش قابل ملاحظه‌ای از این داستان‌ها ترغیب خردورزی انسان در جهت فهم نکات و امور مشترک در زندگی انسان‌ها و دوری از مصائبی است که پیشینیان به سبب دوری از خدا و گرفتاری به گناه و معاصی به آن‌ها دچار شده‌اند. به بیان دیگر، ذکر سرگذشت پیشینیان در قالب قصه و داستان از زبان قرآن، که کهن‌ترین و اصیل‌ترین سند اسلامی است، چه داستان آن‌هایی که توانسته‌اند پا در صراط مستقیم نهاده و با پیروی از عقل و مقابله با نفس اماره به اوج توانایی و مبارزه با نفسانیات برسند، و چه آنانی که با خودباختگی در دریای کبر و غرور غوطه‌ور گردیده و در منجلاب معصیت و گناه فرورفته‌اند، می‌تواند چون مشعلی پیش روی انسان‌ها در تمامی اعصار و دوران‌ها روشنگر و هدایتگر باشد تا با استفاده از آن‌ها و تشخیص درست، خود را به سزمنزل مقصود برسانیم (اسدی تویسرکانی، ۱۳۸۵، ص ۷).

از سوی دیگر، از آن‌جا که اساساً رشد و شکوفایی و تکامل هر توانایی و استعدادی منوط بر به کارگیری آن است، قرآن کریم ضمن بیان داستان زندگی پیشینیان، همواره به انسان توصیه می‌فرماید که از توانایی تفکر خود در مسیر زندگی و بهره‌گیری از تجارب دیگران به منظور باروری و تکامل هر چه بیش‌تر نیروی عقل خود استفاده کنند. شاید از همین‌روست که خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «پس بشارت ده به بندگانی که سخنان (مختلف) را می‌شنوند و از بهترین آن‌ها پیروی می‌نمایند که آنان خردمندان‌اند» (سوره زمر، آیه ۱۸).

به علاوه، در لابه‌لای قصص قرآنی، برخی از مهم‌ترین عوامل رکود اندیشه مانند سنت‌گرایی کورکورانه و تعصبات جاهلانه، شخصیت‌گرایی، دلبستگی‌های غیرمنطقی، همچون ثروت و مقام و هواپرستی و خودبینی و... معرفی شده و نکوهش گردیده‌اند (اعرافی، ۱۳۸۶).

ج) پرورش حس زیبایی دوستی و زیبایی شناسی

انسان همان‌طور که با ابزار تفکر و اندیشه و علم‌آموزی عقل خود را پرورش می‌دهد، با پرورش حس زیبایی شناسی و هنری نیز احساس و عاطفه خود را جلا می‌بخشد (همان، ص ۱۴۱). در همین جهت حدیثی با این مضمون داریم که «خداوند زیباست

و زیبایی را دوست دارد.» همچنین در اسلام و به ویژه در قرآن، به «زیبایی بیان» در حد اعلا توجه شده است، تا جایی که یکی از موارد اعجاز دین اسلام، زیبایی کلام قرآن است (مطهری، ص ۷۳)¹. از این منظر، در منطق قصص قرآنی، محور قرار گرفتن خداوند و گوش سپردن به کلام وحی که سرشار از هنر و زیبایی است، موجب بسط و گسترش و غنای این گرایش فطری در کودکان می‌گردد.

د) رشد اعتماد به نفس و پرورش روحیه شجاعت و

ظلم‌ستیزی

آگاهی از زندگی پیشینیان با ایمان و باتقوایی که مورد لطف و رحمت خداوند قرار گرفتند و به‌طور اعجاب‌انگیزی مضائب و دشواری‌های زندگی‌شان آسان گردید، این پیامد تربیتی را برای کودکان به ارمغان می‌آورد که بیاموزند همه انسان‌ها، به ویژه انسان‌های با ایمان تحت حمایت قدرت لایزال خداوندی قرار دارند و همین امر آنان را به ایمان مذهبی سوق می‌دهد که یکی از ثمرات مهم آن آرامش و انبساط خاطر، اعتماد به نفس، شجاعت، ظلم‌ستیزی و تسلیم نشدن در برابر مظاهر قدرت‌های مادی است.

ه) آمادگی برای دریافت پیام‌های اخلاقی و انسانی و

پرورش اخلاق و عادات نیکو و پسندیده

مطالعه روش نادرست زندگی اقوامی چون قوم لوط و عاد و ثمود و... در قرآن کریم نشان می‌دهد که چگونه رفتارهای ناشایسته و دور از شئون انسانی این اقوام، انسانیت آن‌ها را زیر سؤال برده و مستوجب کیفر و عذاب الهی‌شان کرده است. این داستان‌ها به کودکان ما می‌آموزند که دوری از زشتی‌ها و پلیدی‌ها عاقبتی درخشان در پی داشته، بالعکس گرایش به ضدیت و عناد با کلام خدا و سیره پیامبران، بشریت را به ضلالت و گمراهی سوق می‌دهد (اسدی توپسرکانی، ۱۳۸۵، ص ۸) و به این ترتیب از طریق این قصه‌ها و داستان‌ها، کودکان به بسیاری از ارزش‌های اخلاقی پی می‌برند. از سوی دیگر صفات نیکویی چون صبر و پایداری، شجاعت، خداجویی، نوع دوستی، امیدواری، آزادی، جوانمردی، طرفداری و دفاع از حق و حقیقت و استقامت در مقابل زور و ستم، انتخاب دوست و هم‌نشین شایسته، ارزش‌هایی‌اند که هسته مرکزی قصه‌ها و داستان‌های قرآنی را تشکیل داده، موجب می‌گردند که صفات مزبور به تدریج ملکه ذهن کودک شود و این امر نیز به نوبه خود گرایش به رفتارها و عادات پسندیده را در

ذهن و روح وی نهادینه سازد.

و) آرامش‌بخشی، رفع اضطراب و اختلالات روانی و رفتاری و تأمین بهداشت روانی

به اعتقاد صاحب‌نظران، افسردگی در دوره کودکی یکی از مشکلات جدی است که سلامت عمومی فرد را، حتی در دوره‌های آتی زندگی وی، به خطر می‌اندازد و از این رو شناسایی و درمان افسردگی‌های دوره کودکی و نوجوانی، احتمال بیماری‌های روانی دیگر مانند رفتارهای ناسازگارانه، ناراحتی‌های شدید و حتی مرگ و میر کودکان را کاهش می‌دهد. در همین مسیر، پژوهشگران به اثر بخشی داستان درمانی برای گروه‌های مختلف بیماران دارای اختلال‌های روانی و افزایش خودآگاهی از جمله کاهش اضطراب، افزایش احساس شایستگی کودکان، درمان اختلال سلوک و کمک به هویت‌یابی نوجوانان اشاره کرده‌اند و از آن جا که قرآن کریم، شیواترین، دلنشین‌ترین و واقعی‌ترین داستان‌ها را از کلام خداوند حکیم و علیم برای هدایت و سعادت‌مندی انسان روایت می‌نماید، بدیهی است که استفاده از قصص در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان، به دلیل تقویت ایمان مذهبی، اثربخشی به‌سزایی در زمینه تأمین بهداشت روانی کودکان و نوجوانان و رفع اختلالات عاطفی، روانی و به‌تبع آن اختلالات رفتاری ایشان خواهد داشت.

ز) پرورش روحیه پرسشگری و تقویت نیروی خلاقیت

در عرصه ادبیات کودک و نوجوان، آن جا که قوه خیال تا دوردست‌ها پرواز می‌کند و فانوسک‌های حیرت‌وحکمت خوش می‌درخشد، قصه‌ها و حکایت‌های شیرین قرآنی بر روح لطیف مخاطبانش نیک می‌نشینند و برآینه صاف روحشان نقش می‌بندد و تا مدت‌ها، بی‌آن که زنگار گرفته باشد، رخ می‌نماید و جلوه‌گر می‌شود، چرا که به نظر می‌رسد وقتی خداوند در قرآن کریم از کامل‌ترین قصه‌هایش همچون داستان یوسف و ابراهیم و نوح و قارون و... سخن می‌گوید، به تعبیری در حال دعوت از مخاطبان خود به این امر است که در لابه‌لای آن‌ها نمودی از دنیای حال خود را بگنجانند. آیا کودکان ما در زمان خود افرادی چون فرعون ستمگر، قارون مال‌اندوز، شداد ظالم یا موسی و هارون و... ندارند؟ آن‌ها برای مبارزه با مصادیق زر و زور زمان چه می‌توانند کرد؟ این پرسش‌ها و صدها پرسش و آيای دیگر با شنیدن حکایات زیبای قرآنی در ذهن کودک ایجاد شده، بدین گونه نیروی پرسشگری و تفکر انتقادی را در وی تقویت می‌کند.



سخن آخر

تأثیر شگرف قرآن کریم و تعلیمات آن در هدایت و رستگاری انسان تا بدان جااست که خداوند این مصحف شریف را با اوصافی چون نور آشکارا، ریسمان خدا، موعظه و شفا و رحمت^۳ و مایه بصیرت^۴ توصیف می‌فرماید (رکنی، ۱۳۶۵، ص ۱۳). این کتاب سراسر خواندنی با سبکی هنرمندانه و بدیع، گنجینه‌ای از حقایق و رهنمودها را در جهت هدایت و سعادت انسان بیان نموده، در قالب داستان‌های شیرین خود برنامه‌ای برای زندگی انسان‌های خردمند و با ایمان ارائه می‌کند که به زمان و مکان، یا نژاد و قومی خاص منحصر نمی‌گردد. کودک ما در لابه‌لای قصص شیرین و زیبای قرآنی، بت شکنی و مبارزه با تمامی مظاهر شرک و کفر را از ابراهیم، کمال بندگی در اوج توانگری را از سلیمان، صبر را از نوح و ایوب و موسی و یعقوب، حکمت و فرزندی را از لقمان و پاکدامنی و عفاف را از یوسف می‌آموزد، ذهن پویا و کنجکاوش به تکاپو می‌افتد و می‌اندیشد به کبر شیطان که مغضوب خدایش گردانید، به چرایی هیوط انسان از بهشت، به حسادت که باعث قتل هابیل به دست برادرش شد، به موسای کوچک که مادرش از شر آزار فرعونیان به آیش انداخت و خداوند به لطف و رحمتش حامی و نگهدارش شد، به کرامتی که در وجود آسیه زن ستمگر فرعون بود و وی را مورد تحسین خدا قرار داد، به پسر بدکردار نوح که حتی فرزندی پیامبر خدا بودن هم نتوانست از خشم خدا بازراندش، به سنگ اصحاب کهف که با هم‌نشینی خوبان در رده آن‌ها قرار می‌گیرد، به حضرت یونس که باتوکل به خداوند و نیایش با وی از شکم ماهی نجات یافت و بسه بهانه‌های قوم بنی‌اسرائیل و گوساله پرستی‌شان، و به آزارهایی که پیامبر ما از کافران و بت‌پرستان زمانه خود دید، به پرندگانی که با سنگ در منقارهایشان به جنگ دشمنان خدا می‌روند و به...

و بساز می‌آموزد و می‌آموزد توحید و توکل و صبر، ایمان، خلق نیکو و خردورزی و تقوا، شکر و خضوع و خشوع در برابر پروردگار بی‌همتا و در یک کلام تمام آن‌چه را که شایسته گوهر انسانیت اوست...

منابع :

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابهری، غلامرضا (۱۳۸۶). «پرسمان قرآنی کودک». قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- اسدی توپسرکانی، سهراب (۱۳۸۵). «قصه‌های قرآن». تهران: انتشارات عقیل.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۸۶). «اهداف تربیت از دیدگاه اسلام». تهران: انتشارات سمت.
- بحارالانوار، جلد ۹۲، ص ۱۸۶.
- بهمنی سمید (۱۳۸۵). «دانشنامه قرآن پژوهان ایران». قم: مؤسسه بوستان کتاب حدیری.
- تجار، راضیه (۱۳۸۷). «داستان امروز، داستان فردا». اینترنت. سایت آفتاب، به نقل از خبرگزاری دانشگاهی ایران.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۵). «قرآن شناخت، مباحثی در فرهنگ آفرینی قرآن کریم». تهران: انتشارات طرح نو.
- رستمی‌زاده، رضا (۱۳۸۲). «الگوهای تربیتی در قصص قرآن کریم». ماهنامه پیوند، فروردین و اردیبهشت ۸۲.
- رکنی، محمد مهدی (۱۳۶۵). «لظایفی از قرآن کریم». مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- سفینه البحار.
- شفیعی فرهاد، حسین (۱۳۸۷). «قصه‌ها و داستان‌های قرآنی». پاسخی به نیازهای تربیتی کودکان. اینترنت.
- مطهری، مرتضی. تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
- خبرگزاری دانشجویان ایران واحد علوم پزشکی تهران، سرویس علمی پژوهشی (۱۳۸۵). «بر اساس یک پژوهش: قصه درمانی، روشی مؤثر بر درمان افسردگی کودکان است». اینترنت، سایت ایسنا.

پی‌نوشت ها :

- ۱- به نقل از فروع کافی، ۶، ۴۳۸.
- ۲- خبرگزاری دانشجویان ایران واحد علوم پزشکی تهران، سرویس علمی پژوهشی، ۱۳۸۵.
- ۳- وانزلنا الیکم نوراً مبیناً (نساء، ۱۷۴).
- ۶- واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا (آل عمران، ۱۰۳).
- ۵- قد جاء تکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدی و رحمه للمؤمنین (یونس، ۵۷).
- ۶- هذا بصائر للناس و هدی و رحمة لقوم یوقنون (جاثیه، ۲۰).